خراسان روزنامه صبح ایران
سه شنبه ۹ مرداد ۱۳۹۷ .۱۷ ذی القعده ۱۴۳۹ .شماره ۱۹۸۷۹

عبدالحمید متین السلطنه
(۱۲۹۶–۱۲۵۷ هـ.ش)

روزنامه‌نگار دوره مشروطه و مدیر روزنامه «عصر جدید» بود. وی در دوره دوم مجلس شورای ملی، از طرف مردم مشهد، به نمایندگی انتخاب شد. متین‌السلطنه به جانبداری از نیروهای متفقین در جنگ جهانی اول شهرت داشت و از آن جا که انگلیس به عنوان یکی از دول متفق، بخش‌هایی از ایران را اشغال کرده بود، محبوبیت خود را نزد مردم از دست داد. او دومین فردی بود که توسط کمیته مجازات ترور شد و به قتل رسید.

تاریخچه شکل گیری نخستین گروه تروریستی در تاریخ معاصر ایران

رازهای سر به مُهر «کمیته مجازات»

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

تابستان سال ۱۲۹۵ خورشیدی بود که در زیر زمین خانه «میرزاابراهیم‌خان منشی‌زاده»، هسته اولیه سازمانی کوچک و مخفی ریخته شد که نامش را «کمیته مجازات» گذاشتند. به جز «منشی‌زاده»، «اسدا...خان ابوالفتح‌زاده» و «نظرخان مشکات‌الممالک» نیز، عضو هیئت مؤسس کمیته مجازات بودند. این سه تن، در آن نیمه شب تابستانی، با هم قرار گذاشتند که دشمنان ملت را با ترور، از سر راه بردارند؛ لااقل ادعایشان این بود. اما مسئله این جاست که تشخیص دشمن ملت بودن با کیست؟! هیئت مؤسس برای خودشان وظایفی تعریف کرده بودند؛ «ابراهیم منشی زاده» دبیر کل، «اسدا... ابوالفتح‌زاده» رئیس قوای عامله و «نظر مشکات‌الممالک» رئیس دفتر کمیته و رئیس قوه مقننه کمیته بود!

کریم دواتگر

> رهبری تیم ترور، با «کریم دواتگر» بود. «کریم» پول بیشتری می‌خواست و تهدید کرده بود که اسرار کمیته مجازات را لو می‌دهد. پس از سه ماه پر اضطراب، بالاخره کمیته تصمیم به حذف او گرفت. در غروب یک روز بهاری، بازار تهران شاهد تعقیب و گریزی عجیب بود. مردی که فرار می کرد، هدف گلوله دو ناشناس قرار گرفت و کشته شد؛ مقتول کسی جز «کریم دواتگر» نبود

سوابق هیئت مؤسس

«منشی‌زاده» اصالتاً اهل ایروان بود. او ظاهراً مشروطه‌خواهی دوآتشه محسوب می‌شد که پیشتر، دوره دارالفنون را طی کرده و به استخدام قزاقخانه درآمده بود. وی تا درجه نایب سرهنگی هم پیش رفت؛ اما آغاز نهضت مشروطه باعث شد به آن بپیوندد و پس از پیروزی مشروطه‌خواهان، در پی سهم خود باشد. «منشی‌زاده» به ریاست نظمیه شیراز و نیز، ریاست تحدید تریاک یزد و کرمان رسید و مدیریت دارایی فیروزکوه را هم تجربه کرد؛ اما ستاره اقبالش با آغاز به کار نخستین کابینه «وثوق‌الدوله»، کم فروغ شد. او را به دلیل مخالفت با سیاست‌های دولت، از اداره دارایی اخراج و خانه‌نشین کردند و «منشی‌زاده» هم تصمیم گرفت حساب غاصبانی که حق مردم و به ویژه او را خورده‌اند، کف دستشان بگذارد! شاید همین مسئله بود که باعث شد به فکر تشکیل کمیته مجازات بیفتد. «اسدا... ابوالفتح‌زاده» تا حدودی هم‌ولایتی «منشی‌زاده» بود؛ مردی از اهالی قفقاز. او هم پدری نظامی داشت که میرپنج قزاق بود. شهرت داشت که خانواده وی از وابستگان فرقه ضاله بهائیت هستند. «ابوالفتح‌زاده» هم مانند دوستش، ظاهراً مدافع مشروطیت بود. او پس از فتح تهران، مدتی به عنوان مسئول جمع‌آوری مالیات منطقه شهریار و ساوجبلاغ تعیین شد، اما بدرفتاری‌اش با رعایا، کاسه صبر آن‌ها را لبریز کرد و بلوایی به پا شد. به ناچار «ابوالفتح‌زاده» را از این سمت بر کنار و خانه نشین کردند و لاجرم، او هم به همان نتیجه‌ای رسید که پیشتر، منشی‌زاده رسیده بود! اما «مشکات‌الممالک»، سرگذشتی متفاوت داشت. «نظرخان» لقب «مشکات‌الممالک» را از پدرش به‌ارث برده بود. خانواده او مواجب بگیر «کامران میرزا»، شاهزاده مغرور قاجار بود و «نظرخان»، زندگی توام با رفاهی داشت. پس از فتح تهران، «مشکات‌الممالک» به دلیل دوستی با «منشی‌زاده»، رئیس جمع‌آوری مالیات تهران شد؛ اما او هم، مانند رفیق مالیات‌بگیرش، چندان خوش سابقه از آب در نیامد!

رفت و آمد به انجمن «بین‌الطلوعین»

هر سه عضو هیئت مؤسس، دوستی دیرین داشتند و مشربشان به هم نزدیک بود. هر سه آن ها مالیات بگیر بودند و این تجربه یکسان، شاید در گرفتن تصمیمات هماهنگشان، تأثیر داشت. از طرفی، هر سه نفر به انجمن شبه ماسونی «بین‌الطلوعین» که در منزل «حکیم‌الملک» تشکیل شده بود، رفت و آمد داشتند. بسیاری از اعضای این انجمن را بهائی‌هایی تشکیل می‌دادند که به رغم ادعای ممنوعیت ورود به سیاست، درصدد بودند جایگاهی در ساختار سیاسی ایران برای خود دست و پا کنند. این سه نفر و تعدادی دیگر از اعضای «بین‌الطلوعین»، بعدها «انجمن مخفی دوم» را ایجاد کردند، انجمنی که در آن، افرادی مانند «ناظم‌الاسلام کرمانی» و ارباب «جمشید جمشیدیان» نیز عضویت داشتند. یکی از اعضای گروه، یعنی «میرزا محمد نجات خراسانی»، از بهائی‌های معروف و مرتبط با سفارت بریتانیا بود که پس از بازداشت «کریم دواتگر»، عامل ترور نافرجام شهید شیخ فضل‌ا... نوری، دستگیر شد و خاطرش آن‌قدر نزد انگلیسی‌ها عزیز بود که کنسول انگلیس در جلسه بازجویی وی شرکت می کرد تا مبادا، به قول «سیدحسن تقی‌زاده»، «به میرزا محمّد زور بگویند»! با وجود این فعالیت‌ها، اقدامات این سه رفیق گرمابه و گلستان، متوقف نشد. آن ها که مدتی بعد، با مساعدت سفارت بریتانیا، در قلهک مستقر شده بودند، گروه تروریستی جدیدی، موسوم به «کمیته جهانگیر» تشکیل دادند و این بار طرح ترور «سیدعبدا... بهبهانی» را ریختند؛ مجتهد معروف مشروطه‌خواه که حالا ایرادها و اعتراضات مداومش به مشروطه‌خواهان غرب گرا و دین گریز، کاسه صبر امثال «سیدحسن تقی‌زاده» را لبریز کرده بود. یکی از ضاربان «بهبهانی»، یعنی «حسین لَله»، بعدها از اعضای تیم ترور کمیته جدیدالتأسیس مجازات شد.

استخدام آدمکش!

«میرزاابراهیم»، «اسدا...خان» و «نظرخان»، پس از تنظیم مرامنامه، به دنبال تهیه اسلحه و لباس رفتند؛ لباس‌هایی سیاه و بلند که به درد عملیات شبانه می‌خورد و وحشت در دل دشمنان می‌انداخت. دو نفر از اعضای مؤسس نظامی بودند و به همین دلیل، فوت و فن‌های نظمیه‌چی‌ها را برای کشف جرم، کمابیش می‌دانستند. همین موضوع باعث شد که برنامه ترورها، تقریباً بی‌نقص باشد؛ هر چند ناکارآمدی مأموران دولتی آن زمان را هم نباید دست کم گرفت. گام بعدی، استخدام آدمکش بود. هیئت مؤسس می‌دانست که باید از افرادی استفاده کند که سابقه انجام اقدامات تروریستی را داشته باشند. شاید یکی از اولین افرادی که نامش در ذهن هیئت مؤسس حک شد، «کریم دواتگر» بود. «کریم» در کارنامه‌اش، افزون بر سابقه ترور، سابقه شرارت و بر هم زدن نظم بازار در مقیاس کلان را هم داشت. همزمان با عضویت او در کمیته مجازات، «علی اکبر ارداقی» و «عمادالکتاب قزوینی»، خطاط معروف که بعدها در اداره تحریر دربار پهلوی اول به کار گرفته شد هم، به کمیته ملحق شدند. تیم ترور کمیته مجازات، با حضور «کریم دواتگر»، «احسان‌ا... خان دوستدار» و «حسین لِله» تشکیل شد. رهبری تیم ترور، با «کریم دواتگر» بود. بد نیست اشاره کنیم که برخی مورخان معاصر، مانند «عبدا... شهبازی»، «کمیته مجازات» را به دلیل عضویت عناصر بهائی در آن، یک گروه تروریست بهائی می‌دانند. بعدها، تعدادی دیگر هم به جمع اعضای کمیته مجازات اضافه شدند؛ افرادی مانند «رشیدالسلطان».

آغاز ترورها

نخستین قربانی ترور کمیته مجازات، کسی نبود جز «اسماعیل‌خان»، رئیس انبار غله تهران که در آن سال‌های پرآشوب و قحطی، اصلاً شخصیت محبوبی در میان مردم نبود. ترور وی، به تصویب و تأیید تمام اعضای انجمن رسید. «کریم دواتگر» برای انجام ترور، ۶۰۰ تومان پول گرفت. مقداری از این پول به «احسان‌ا...خان دوستدار» و «حسین لَله» رسید، اما بیشتر آن به جیب «کریم» رفت. این پول از کجا تهیه شده بود؟ کسی به درستی نمی‌داند. غروب یکی از روزهای زمستان سال ۱۲۹۶، نزدیک حرم حضرت عبدالعظیم(ع)، دو گلوله پیاپی سینه «اسماعیل‌خان» را شکافت؛ او بعد از اصابت گلوله نخست، در دم جان داد. گلوله‌ها را «کریم دواتگر» شلیک کرد اما خود او چند ماه بعد، قربانی زیاده خواهی‌اش شد. «کریم» پول بیشتری می‌خواست و تهدید کرده بود که اسرار کمیته مجازات را لو می‌دهد. پس از سه ماه پر اضطراب، بالاخره کمیته تصمیم به حذف او گرفت. در غروب یک روز بهاری، بازار تهران شاهد تعقیب و گریزی عجیب بود. مردی که فرار می کرد، هدف گلوله دو ناشناس قرار گرفت و کشته شد؛ مقتول کسی جز «کریم دواتگر» نبود. به این ترتیب، طومار زندگی یکی از نخستین تروریست‌های شناخته‌شده ایران، در هم پیچیده شد. هدف بعدی کمیته مجازات، «متین‌السلطنه» مدیر روزنامه «عصر جدید» بود. اعضای کمیته در ارزیابی‌های خود به این نتیجه رسیده بودند که ترور نخست، باعث ایجاد رضایت عمومی شده است و بنابراین، می‌توانند با قدرت به کارشان ادامه دهند. «متین‌السلطنه» از هواداران پیوستن ایران به متفقین محسوب می‌شد. به همین دلیل، در میان مردم محبوبیت چندانی نداشت و برخی او را وابسته به سفارت می‌دانستند. قتل وی در محل کارش اتفاق افتاد. کمیته مجازات، اعلامیه‌ای درباره این اقدام صادر کرد. حالا مردم تهران فهمیده بودند که قتل‌هایی از این دست، ادامه‌دار خواهد بود. سیاسیون به شدت از شرایط به وجود آمده بیمناک شده بودند. «وثوق‌الدوله» که نتوانسته بود برای بازداشت اعضای این گروه تروریستی، اقدام مؤثری انجام دهد، استعفا کرد و جای خود را به «علاءالسلطنه» داد، اما ترورها متوقف نشد. «میرزا حسین‌خان» برادر «صدرالعلما»، از دوستان نزدیک «وثوق‌الدوله»، قربانی بعدی بود. احتمالاً «منشی‌زاده» که رهبری گروه را هم بر عهده داشت، از ضربه زدن به اطرافیان و موقعیت «وثوق‌الدوله»، لذت می‌برد. برای همین، نقشه ترور مرد دیگری را کشید که او هم، با «وثوق‌الدوله» بی‌ارتباط نبود؛ «منتخب‌الدوله». اما قربانی جدید با دیگر قربانیان تفاوت داشت؛ او جوانی محجوب و آرام بود که مردم دوستش داشتند. او داماد «وثوق‌الدوله» بود. مرحوم «ملک‌الشعرای بهار»، او را با عنوان «جوان خوش‌سابقه‌ای که دارای شغل خزانه‌داری دارایی است»، معرفی می‌کند. جالب این جاست که این قربانی، مثل اعضای برجسته کمیته، در وزارت دارایی مشغول به کار بود! در بیانیه‌ای که کمیته مجازات پس از ترور صادر کرد، «منتخب‌الدوله» به قصد خیانت در آینده متهم شد! این ادعا برای مردم قابل پذیرش نبود و جایگاه انجمن را از یک گروهِ مخفی دشمن مستبدان و وابستگان، به دسته‌ای متشکل از اراذلِ آدمکش تقلیل داد.

فرجام تروریست‌ها

با وجود بازداشت تعدادی از اعضای کمیته مجازات به وسیله «عبدا...بهرامی»، مأمور آگاهی اداره تأمینات، ترور «احمدخان صفا» از اعضای شهربانی و یکی از بازپرسان دستگیرشدگان، باعث شد که زندانیان آزاد شوند؛ البته شرایط حاد کشور و قحطی فراگیر را هم نباید به عنوان یک عامل مهم در رقم خوردن این آزادی، از یاد برد. در دوره «صمصام‌السلطنه»، اعضای کمیته مجازات چنان دچار غرور و نخوت شده بودند که ادعاهای نخستشان را از یاد بردند و حتی برای فخر فروشی و گرفتن امتیاز، خود را به مردم معرفی می‌کردند. با روی کار آمدن مجدد «وثوق‌الدوله»، وی دوباره فرمان بازداشت اعضای کمیته مجازات را صادر کرد. رئیس‌الوزرا خواستار تشکیل یک دادگاه سریع برای اعضا بود. اما برخی از آن ها گریخته بودند. «احسان‌ا...خان دوستدار» که از اعضای خانواده مشهور بهائی «دوستدار» بود، به قفقاز فرار کرده بود. او بعدها به گیلان رفت و ضمن همکاری با حزب عدالت، خود را در میان اطرافیان «میرزا کوچک‌خان» جا زد و بعدها، پس از خیانت به وی، به مقام نظامی رسید و درنهایت، در جریان سرکوب شورش «سیمیتقو» کشته شد. با این حال، در مجموع، ۲۰ نفر از اعضا یا سمپات‌های کمیته مجازات دستگیر و در دادگاهی به ریاست «میرزا احمدخان اشتری»، محاکمه شدند. دادرسی بسیار کوتاه بود. «حسین لِله» و «رشیدالسلطان» که منفرداً و متفقاً مرتکب چندین فقره قتل شده بودند، محکوم به اعدام شدند و حکم آن ها در میدان توپخانه، روبه روی ساختمان نظمیه تهران، اجرا شد. «ابراهیم منشی‌زاده» و «اسدا... ابوالفتح‌زاده» که مؤسسان کمیته بودند و دستور قتل‌ها از طرف آن ها صادر می‌شد، ظاهراً محکوم به ۱۵ سال زندان و تبعید به کلات نادری شدند؛ اما «وثوق‌الدوله» که نمی‌توانست چشم بر دشمنی‌های آن ها ببندد، دستور داد هر دو را در سمنان تیرباران کنند و به حیاتشان خاتمه دهند. «ارداقی» و «مشکات‌الممالک»، هر کدام محکوم به پنج سال حبس و بقیه نیز به ۵ تا ۱۵ سال زندان محکوم شدند. به این ترتیب، پرونده یکی از مخوف‌ترین گروه‌های تروریستی تاریخ ایران بسته شد؛ اما رازهای سربه‌مهر فراوانی باقی ماند که هیچ‌گاه کسی نتوانست به درستی، پاسخی برای آن ها بیابد. با وجود مطالعات فراوانی که درباره کمیته مجازات انجام گرفته، هنوز هم مسائل مبهم و ناگفته‌ای باقی است که آشکار شدن آن ها، بعید به نظر می‌رسد.

تاریخ جهان

ایجاد اروپای نوین؛ پندار خام نازی های جوان

جوانان هیتلری در جریان یک کنگره که در سال ۱۹۴۲ در شهر وین برگزار شد، به تاسیس نهادی موسوم به «اتحادیه جوانان اروپایی» اقدام کردند. اما رؤیای «اروپای نوین» آن‌ها در حد یک خواب و خیال و پندار خام باقی ماند. به گزارش تاریخ ایرانی، در سالن بزرگ ساختمانی واقع در «رینگ اشتراسه» که زمانی محل پارلمان اتریش در شهر وین به شمار می‌رفت، شور و حال غریبی حاکم بود. حدود ۳۰۰ جوان کم سن و سال و همین طور بزرگ سالان جوان، از ۱۸ کشور اروپایی، به پلاکارد بزرگی که در به اصطلاح پیشانی سالن قرار داشت، چشم دوخته بودند. روی این تابلو، تصویر اساطیری آن گاو نر و اروپای ربوده شده نقش بسته بود [اروپا در اساطیر یونانی دختر پادشاه سیدون بود که توسط زئوس که خود را به صورت یک گاو نر درآورده بود، ربوده شد و بعدها نام وی یعنی اروپا را، بر قاره سبز گذاشتند]. در همین حال «بالدور فون شیراخ» ۳۵ ساله و فرمانده سابق جوانان هیتلری که در آن روزها، از سوی دولت نازی آلمان به فرمانداری وین منصوب شده بود، روی سِن آمد و پس از خوشامدگویی به حاضران گفت: «اولین کنگره اروپای جوان را افتتاح می کنم.» پس از وی، «آلدو ویدوسونی»، فرمانده ۲۸ ساله جوانان فاشیست ایتالیا، پشت تریبون قرار گرفت و سلام‌های گرم بنیتو موسولینی را به حاضران ابلاغ کرد. افزون بر آلمان و ایتالیا، نمایندگان و فرستادگان ۱۲ کشور دیگر اروپایی، در قالب هیئت‌های چند نفره، در مراسم افتتاحیه حضور داشتند. از جمله این کشورها می‌توان از بلغارستان، دانمارک، کرواسی، هلند، نروژ، رومانی، اسلواکی، اسپانیا و مجارستان یاد کرد. بعد از برگزاری برنامه‌های متعدد که با تشویق شدید حضار همراه بود، شیراخ از مهمانان خارجی برای حضور در کاخ مشهور «شون برون» وین دعوت کرد. در آن جا و در سالن جشن کاخ، حاضران شاهد اجرای برنامه از سوی اپرای دولتی وین بودند و در سالن موسیقی، به اجرای اثر معروف «عروسی فیگارو»، ساخته موتسارت گوش سپردند. اما آن برنامه فرهنگی که با پرچم تزیینی ملت‌های اروپا در وین و طی تجمعی ۱۰۰ هزار نفری، در هِلدن پلاتز این شهر، در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۲ برگزار شد؛ با واقعیات موجود هیچ سنخیتی نداشت و اقدامی کاملاً فریبنده به شمار می‌رفت. کنگره جوانان در حاشیه ویرانه‌ها و تباهی‌ها برگزار شد؛ زیرا در همان حال که جوانان هیتلری در وین جشن گرفته بودند، سربازان آلمانی دو هزار کیلومتر دورتر، یعنی در شرق اروپا و داخل شهر استالینگراد، در حال نبرد بودند. دو ماه بعد بود که این شهر، از سوی ارتش سرخ شوروی به محاصره درآمد و در آغاز فوریه ۱۹۴۳ بود که نیروهای آلمانی در استالینگراد شکست خوردند. این که سازمان‌ها و اتحادیه‌هایی مانند اتحادیه جوانان هیتلری، همواره اقلیتی کوچک را نمایندگی می کردند، واقعیتی بود که خیلی زود آشکار شد؛ زیرا پس از بیرون راندن نازی‌ها از سرزمین‌های اشغالی، آن ها تمام آن چه را در رؤیاهایشان پرداخته بودند، بر باد رفته دیدند.

گزارش تاریخی

هیئت های مؤتلفه

مبارزان انقلابی در کنار روحانیت

هیئت‌های موتلفه اسلامی یکی از گروه‌های سیاسی بود که در اوایل دهه ۱۳۴۰ هـ.ش و همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره)، برای فعالیت علیه رژیم پهلوی تشکیل شد و با تأسّی از روحانیت، به فعالیت در زمینه‌های مختلف پرداخت. علاوه بر استاد شهید مرتضی مطهری، شهید بهشتی و انواری که از اعضای فعال شورای روحانیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی بودند و نقش مهمی در تغذیه فکری اعضای موتلفه داشتند، چهار روحانی انقلابی دیگر، یعنی آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای، شهید باهنر، مرحوم هاشمی رفسنجانی و آیت‌ا... مصباح یزدی نیز در این زمینه تأثیرگذار بودند. تا زمانی که مؤتلفه دارای تشکیلات گروهی منسجم بود، آموزش مذهبی ـ عقیدتی اعضای آن، به صورت منظم و سازمان یافته برگزار می‌شد، اما با لو رفتن تشکیلات این گروه، فعالیت‌های آموزشی، به گونه‌ای دیگر ادامه یافت. برخی اعضای موتلفه، فعالیت هایی را همچون برگزاری دعاهای مذهبی، تدریس علوم دینی و برپایی اردوهای آموزشی، از همان اوایل سال ۱۳۴۴، در دستور کار خود قرار دادند؛ اگر چه این فعالیت‌ها به صورت مخفیانه و به دور از چشم مأموران رژیم انجام می‌شد. بسیاری از اعضای مؤتلفه در جلسات فکری ـ مذهبی، همچون مکتب قرآن و انصارالحسین (ع) که طی سال‌های ۴۸ تا ۵۳ برگزار می‌شد، شرکت می کردند. فعالیت‌ها، عمدتاً در ارتباط با گروه‌های مذهبی دیگر انجام می‌شد، چنان که جلسات مکتب قرآن، به صورت سیّار در منازل اعضا برگزار می‌شد و شهید بهشتی در این جلسات سخنرانی می‌کرد. در جلسات انصار الحسین (ع) نیز که به طور سیّار در منازل اعضا برگزار می‌شد، مرحوم هاشمی رفسنجانی سخنرانی می‌کرد. در این جلسات، علاوه بر سخنرانی، آموزش ترجمه و تفسیر آیات قرآن نیز، انجام می گرفت و بیشتر شرکت کنندگان آن، از اعضای موتلفه بودند. فعالیت در زمینه انتشارات و توزیع مجلات و کتاب‌ها، از دیگر اقدامات فرهنگی ـ دینی موتلفه محسوب می‌شد.

شاید اولین اقدام مهم موتلفه در زمینه نشریات را بتوان انتشار کتابی جیبی درباره مرجعیت امام خمینی (ره) عنوان کرد. ماجرای دیگری که رابطه و همکاری بسیار نزدیک موتلفه با روحانیت انقلابی را در دوره مدنظر و در زمینه مورد بحث، نشان می‌دهد، چاپ نشریاتی به نام‌های «بعثت» و «انتقام» توسط برخی طلاب حوزه علمیه قم در سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۴ است؛ رویکردی که موتلفه، نقش مهمی در توزیع و به‌ویژه، حمایت مالی از آن ایفا کرد. اعضای موتلفه که بعد از شناسایی و بازداشت تعداد زیادی از آن ها توسط ساواک، تقریبا از نیمه دهه ۱۳۴۰ به بعد، به طور پراکنده فعالیت می کردند، در انتشار کتاب «ولایت فقیه» که طی نیمه اول دهه ۱۳۵۰، به صورت جزوه از عراق وارد ایران می‌شد نیز نقش تأثیرگذاری ایفا کردند. تأسیس مراکز فرهنگی و رفاهی، یکی دیگر از اقدامات غیرسیاسی موتلفه به شمار می‌رفت. این گونه اقدامات موتلفه، عمدتاً از نیمه دهه ۱۳۴۰ به بعد آغاز شد.

نگاهی متفاوت و طنز به اخبار کشور در ستون رادیو الآن
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

شماره بایگانی پرونده: ۹۴۰۵۲۳ آگهی ابلاغ دادنامه
بدینوسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای محمدرضا فردوس پرست فرزند حسین فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد شکایت آقای محسن مرادی مقصودی مبنی بر کلاهبرداری به موجب حکم شماره ۹۷۰۹۹۷۵۱۱۵۷۰۰۵۰۶ مورخه ۱۳۹۷/۴/۲۳ در پرونده کلاسه ۹۴۰۵۲۳ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ مشهد حکم به محکومیت شما به تحمل دو سال حبس و رد مبلغ یکصد و بیست و پنج میلیون ریال در حق شاکی و معادل همین مبلغ به عنوان جزای نقدی در حق دولت صادر گردیده، مراتب بدینوسیله در روزنامه درج میگردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در همین دادگاه و پس از آن ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان خراسان رضوی می باشد. م الف ۱۷۶۹۰. مدیر شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ مشهد (۱۰۲ جزائی سابق) - استان خراسان رضوی شهرستان مشهد - نبش شیرودی ۱۳ مجتمع قضایی عدالت ۹۷۰۷۵۰۲۶/م